

وارونه پردازی های شمس الواعظین درباره کارگران

کمیته هماهنگی (منطقه تهران)

سه شنبه بیست ششم شهریور ۱۳۸۷

آقای شمس الواعظین، «اصلاح طلب» معروف و عضو انجمن صنفی مطبوعات می گوید: «بی توجهی رسانه ها به مسائل اقشار آسیب پذیر موجب پیدایی بی اعتمادی در این قشر شده است. این مسئله باعث بی اعتمادی مطلق در بین طبقاتی می شود که روزی اصلی ترین پایگاه اجتماعی حکومت و حوزه قدرت سیاسی به شمار می رفتند. در نتیجه ما شاهد کاهش مشارکت سیاسی طبقات کارگری و آسیب پذیر خواهیم بود» (خبرگزاری ایلنا، ۸۷/۶/۲۴)

شمس الواعظین خطر فروریزی توهم های کارگران به اپوزیسیون «اصلاح طلب» سرمایه را خوب درک کرده و از این بابت به وحشت افتاده است. او به رسانه های رسمی این باندها انتقاد می کند که چرا وظیفه خود را در معماری هر چه ماهرانه تر افکار عمومی کارگران بر اساس ملزومات ماندگاری سرمایه داری خوب انجام نمی دهند. این ها حرف های آقای «اصلاح طلب» و عضو انجمن صنفی مطبوعات است. پیداست که او حرف دل خویش را می زند. او از جمله مدافعان و حامیان و نمایندگان فکری و سیاسی نظام سرمایه داری است. طبیعی است که فروریزی توهم های کارگران به قدرت سیاسی سرمایه را خطر تلقی کند و از رسانه های سرمایه بخواد که برای رفع این خطر تلاش کنند. طرح تمامی این نکات برای شمس الواعظین و همه همانندانش امری عادی است و هر کسی جز این پندارد بی گمان انسانی بیگانه با الفبای درک مادی تاریخ است. هدف ما از نگارش این چند سطر نیز نقد نظرات ایشان نیست. آنچه مورد بحث ماست نه انتقاد بلکه افشای پاره ای وارونه پردازی های این «اصلاح طلب» دوخردادی است. وارونه پردازی های وی به طور بسیار مختصر عبارتند از:

۱. او چنین وانمود می کند که گویا توده های کارگر تا حالا به دولت سرمایه یا به این و آن باند اپوزیسیون طبقه سرمایه دار در درون و بیرون دولت سرمایه داری باور داشته اند و این باور بر اثر غفلت مطبوعات سرمایه در مهندسی ماهرانه افکار کارگران دچار تزلزل شده است. این سخن از بیخ و بن نادرست است. اگر کارگران ایران تا لحظه حاضر نظام سرمایه داری و دولت این نظام را از میان نبرده اند در وهله اول زیر فشار سرکوب دولت سرمایه و در وهله دوم به علت توهّمات ناشی از راه حل پردازی های اپوزیسیون های راست و چپ سرمایه بوده که مانع سازمانیابی درست مبارزه ضد سرمایه داری آنان شده است. به این ترتیب، شمس الواعظین دست به یک وارونه پردازی آشکار می زند هنگامی که کارگران را پایگاه قدرت دولت های سرمایه داری معرفی می کند.

۲. شمس الواعظین عروج جنبش کارگری، اعتصابات گسترده کارگران در مناطق مختلف کشور، خروش خشم توده های چند میلیونی کارگر در سراسر جامعه را بسیار خوب می بیند و این امر سراسر وجودش را به ریشه می اندازد. او با مشاهده این وضعیت و احساس هراس ناشی از آن، انتقاد خود را متوجه رسانه ها و دستگاه های مهندسی افکار طبقه خود می کند. او می پندارد که اگر این مطبوعات تلاش بیشتر کرده و برای معماری افکار کارگران سرمایه گذاری

بیشتری کرده بودند کارگران از دولت فاصله نمی گرفتند. این تصور عضو انجمن صنفی مطبوعات نیز نادرست است. رسانه های جمعی سرمایه در انجام وظایف مورد نظر شمس الواعظین هیچ کوتاهی نکرده اند. آن ها هر چه در توان داشته اند برای شست و شوی مغزی توده های کارگر انجام داده اند. شالوده خیزش های گسترده کارگری در شرایط کنونی فشار مرگبار و بیش از پیش شدت استثمار سرمایه و محروم شدن تام و تمام طبقه کارگر از هر نوع حق و حقوق انسانی است. بیکاری و گرسنگی و مرگ و میر انبوه ناشی از گرسنگی، اجبار به تن فروشی زیر فشار فقر و بالارفتن لحظه به لحظه شمار کودکان خیابانی خانواده های کارگری است که آتش خشم و قهر کارگران را همه جا علیه سرمایه و دولت آن شعله ور ساخته است. در این جا نیز آقای شمس الواعظین جمود تاریخی تفکر خود را با آشکار ترین وارونه پردازی ها به هم پیوند می زند تا شاید بر روی واقعیت های روشن زندگی کارگران پرده اندازد.

شمس الواعظین می داند که تا چند ماه دیگر مضحکه عوام فریبانه ای به نام انتخابات ریاست جمهوری توسط دولت سرمایه به صحنه آورده خواهد شد. او از حالا با تمامی قوا مترصد است که شاید بازم با سوء استفاده از موقعیت ضعیف و پراکنده جنبش کارگری بخش هایی از کارگران را پشت سر این یا آن باند سرمایه به صف کند. به همین دلیل دست به دامن اربابان جراید و صاحبان رسانه ها می شود که دست به کار شوند و موقعیت ضعیف جنبش کارگری را وثیقه اثربخشی توهم بافی ها و ترفندپردازی های خود سازند. آنچه ایشان برنامه ریزی می نماید و به مطبوعات سرمایه توصیه می کند جزء جدایی ناپذیر ستمی است که نظام سرمایه داری علیه کارگران روا می دارد. کارگری که گول این وارونه پردازی ها را بخورد یا همچون رهبران شوراهای اسلامی کار و خانه کارگری ها مزدور سرمایه است، یا مانند افراد آویخته به احزاب و محافل چپ و راست تا مغز استخوان دچار فرمیسم منحط سرمایه پسندانه است و یا، در بهترین حالت، انسانی مستأصل و ناآگاه است. شرایط کنونی جنبش کارگری نه شرایط غلتیدن در منجلاب توهم به این و آن باند سیاسی طبقه سرمایه دار بلکه شرایط تلاش بی امان و هدفدار و آگاه برای سازمانیابی سراسری و شورایی ضد سرمایه داری این جنبش حول منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر است.

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)

۲۵ شهریور ۸۷

www.hamaahangi.com

hamaahangi@gmail.com